

چشم‌انداز نقش ایرانیان در آینده فرهنگ و تمدن اسلامی از منظر روایات اسلامی

علی یزدانی احمدآبادی

دکتری تاریخ و تمدن اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران.

yazdanmail@yahoo.com

چکیده

موضوع این مقاله از مهم‌ترین موضوعات مربوط به مسائل تمدن دینی است و شاید، بالاخص برای انقلاب ایران، یکی از مهم‌ترین موضوعات تمدن اسلامی باشد. بحث از تمدن نوین اسلامی، با رویکرد مذهبی، از مهم‌ترین و اساسی‌ترین چالش‌های کنونی و آینده دولت‌های اسلامی است که برای تحقق آن توجه به مؤلفه‌های آن و خصوصاً مؤلفه امت تمدن‌ساز بسیار ضروری می‌نماید. تاکنون به موضوع «امت» و «امت اسلامی» بیشتر با رویکرد فرقه‌شناسی توجه شده و کمتر از منظر روایی و تمدنی به آن پرداخته شده است. توجه‌دادن قرآن به مؤلفه امت و بیان نقش امت در فرایند ساخت فرهنگ و تمدن اسلامی از منظر تاریخی، که «مدینه‌النبی» دوره شروع و اساس تحقق آن است، ما را به این نکته توجه می‌دهد که از

منظر دینی و برای بازتولید تمدن اسلامی، چه در زمان حال و چه در آینده، چاره‌ای جز توجه به اجزاء ساخت این امت در جهت انسجام و همبستگی جامعه اسلامی و در نظر گرفتن نقش آنان در آرمان‌سازی برای تحولات اجتماعی و کارکردهای هویت‌بخش نخواهیم داشت.

در طول تاریخ اسلام، بخش مهمی از این امت واحده را ایرانیان تشکیل داده‌اند که از گذشته در عرصه‌های فرهنگی و تمدنی نقش مهم و پررنگی داشته‌اند. در این پژوهش، با روش استقرایی و به شیوه تحلیل و توصیف داده‌ها، تلاش شده است تا بر اساس گزارش‌های موجود تاریخی، روایی و تفسیر آیات قرآن در بعد سنن الهی به این مسئله پاسخ داده شود که ایرانیان چه نقش و جایگاهی در ایجاد سرمایه تمدن نوین اسلامی و بازتولید آن در آینده تمدن اسلامی خواهند داشت. ایرانیان، همان‌طور که در گذشته تاریخی جهان اسلام نقش پررنگ و بااهمیتی در حوزه فرهنگ و تمدن داشته‌اند، با تحقق انقلاب اسلامی ایران، که خون تازه‌ای در پیکره امت اسلامی به جریان انداخت و حیات جدیدی به جهان اسلام بخشید، در بازتولید تمدن نوین اسلامی فعال‌ترین سرمایه اجتماعی هستند و شاید تنها امتی باشند، که طبق روایات تفسیری، چنین نقشی را در حوزه تمدن اسلامی ایفا خواهند کرد. همچنین به دلیل سنت استبدال، که در طول تاریخ امت‌هایی برگزیده شده و قانون استبدال بر آن‌ها اعمال شده است، این ایرانیان خواهند بود که در ظهور تمدن نوین اسلامی نقش پررنگی ایفاء خواهند نمود.

کلیدواژه‌ها: سنت، اسلام، ایرانیان، تمدن، فرهنگ، روایات اسلامی.

مقدمه

در سیر تاریخی برای تمدن‌ها دو صورت تصور شده است. تمدن‌های دینی که ساخت و هدایت‌گری تمدن در آن‌ها بر پایه دین و پذیرش مرجعیت دین تعریف شده و تمدن‌های غیر دینی که پایه و اساس ابتناء تمدن در آن‌ها بر اساس فکر و خواست انسان‌ها بوده است. تأمل نظری در باب مفهوم و چیستی تمدن، در هریک از دو مورد، مقدم بر توجه به ظواهر تمدن‌ها و مظاهر آن‌هاست. تمدن اسلامی نیز از این اصل

مستثنی نیست و باید به جای توجه صرف به مظاهر مادی تمدن اسلامی به آموزه‌ها و معیارهای چپستی و چگونگی تحقق تمدن از منظر اسلام توجه کرد. تمدن اسلامی در فراز و فرود تاریخی خود با دوره انحطاط روبه‌رو گردیده است. برای برون‌رفت از این چالش تمدنی (انحطاط تمدن اسلامی) دیگر نمی‌توان با رویکرد توجه و معرفی صرف مظاهر تمدن اسلامی قدمی مناسب و شایسته جهت بازتولید آن تمدن برداشت و به جای آن باید به این پرسش پرداخت که تجدید تمدن اسلامی، از منظر محتوا و درون‌مایه اسلامی، ضرورتاً نیازمند چه مقدماتی است. بی‌تردید در بازشناسی تمدن اسلامی، توجه به خاستگاه و مبانی تمدن اسلامی نقش اساسی و بنیادین را ایفا می‌کند و ناآگاهی و بی‌توجهی به هرکدام از آن اصول و بنیان‌های تمدنی، فهم ما را در جهت‌سازی و جهت‌یابی آینده تمدن اسلامی با مشکل روبه‌رو خواهد کرد.

از منظر دینی، راهبرد اسلام هم در تحقق تاریخ و هم در برون‌رفت از رکود و انحطاط تمدنی به ماهیت دینی و جهان‌بینی اسلامی برمی‌گردد. جهان هستی دارای خداوندی یکتا (انبیاء: ۲۲)، مالک (آل عمران: ۲۶) و حکیم (بقره: ۲۰۹) است. از این جهت بیهوده بودن خلقت و هستی بی‌معناست (مؤمنون: ۱۱۵) و جهان برای هدفی مشخص و ماندگار بنا شده است (طباطبایی، ۱۳۸۲، ج ۱۵: ص ۷۳). تمدن اسلامی در تحقق این هدف نیازمند وجود مردمانی است که با محوریت دین، روابط اجتماعی و فرهنگی خود را استوار کرده باشند. حضور این مردمان در جغرافیای سیاسی اسلام تحت عنوان «امت اسلامی» قرار گرفته است. جدای از آنکه به این موضوع از نگاه اجتماعی و دینی توجه شده است، در کنار آن ضرورت توجه به سنت‌های الهی-تاریخی که در کلیت جریان حرکت‌های اجتماعی تأثیرگذارند ضرورت بسیار دارد. خصوصاً هنگامی که به این موضوع از منظر اسلام توجه شده است، پرداختن به نقش سنت‌های الهی در فعل و انفعالات اجتماعی جهت تحقق تمدن اسلامی مانند میوه درختی است که با وصله و پینه به درختی نیمه‌جان متصل شده و پیوند خورده باشد بدون آنکه ارتباطی درست با ریشه و اساس درخت داشته باشد. نتیجه این رویکرد آشفتنگی فکری و سرخوردگی‌ای خواهد بود که به رکود و انحطاط بیشتر تمدن اسلامی منجر خواهد شد. در این پژوهش به سنت‌های الهی-اجتماعی، به‌منزله عوامل مؤثر در حوزه تحولات تمدنی، توجه شده است تا از این منظر به آینده تمدن اسلامی نیز توجه

شده باشد. از این دیدگاه تحقق تمدن نوین اسلامی بدون توجه به این مهم و نقش جامعه تمدن ساز ممکن نخواهد بود. از این رو لازم است تا براساس آموزه‌های اسلامی به این سؤال پاسخ داده شود که کدام جامعه نقش اساسی در تجدید حیات فرهنگ و تمدن اسلامی خواهد داشت تا از طریق برنامه‌ریزی به ظرفیت‌سازی و پرورش نیروهای کارآمد، متناسب با رسالت تمدنی، به سمت تحقق آن گام برداشته شود.

گرچه آموزه امت اسلامی در سیره سیاسی مسلمانان مطرح شده و پیش‌فرض در نظر گرفته شده است، با نگاه درون‌دینی و از منظر آیات و روایات اسلامی جای این سؤال اصلی و اساسی خالی است که چشم‌انداز نقش و جایگاه ایرانیان در آینده فرهنگ و تمدن اسلامی و در جایگاه جامعه‌ای که خدمات متقابل فراوانی در طول تاریخ حیات هزار و چهارصدساله اسلام از خود ارائه است چه خواهد بود. فرضیه این پژوهش در این بیان شکل گرفته است که سنت‌های الهی در مداوله، استخلاف، استبدال و امثال آن‌ها موجب خواهد شد، تا به پشتوانه سابقه فکری- فرهنگی و خدماتی که در طول تاریخ و متقابلاً میان اسلام و ایرانیان رخ داده است، این جامعه در تداوم تحقق سنت‌های الهی ظرفیت و قابلیت احیا و تجدید حیات تمدنی اسلام را داشته باشد. از این رو و برای اثبات این فرضیه، به پاسخ پرسش‌های زیر پرداخته خواهد شد:

الف) جایگاه آموزه امت از نگاه قرآن و سیره چگونه است؟

ب) سنت‌های حاکم بر جامعه و امت‌ها در فرایند تغییرات اجتماعی- تمدنی چه هستند؟

ج) جامعه مد نظر در روایات اسلامی که ظرفیت و قابلیت دگرگونی، احیاء و

تجدید تمدن اسلامی مبتنی بر آموزه‌های اصیل اسلامی را دارد کدام است؟

د) روند تاریخی و نقش انقلاب اسلامی ایران در تحقق این سنت‌ها در جامعه

ایرانی چگونه بوده است؟

۱. مفاهیم

فرهنگ: ^۱ فرهنگ واژه‌ای پارسی است و ترکیبی از دو جزء «فرا» و «هنگ»^۲ به معنای

1. culture

۲. «فرا» پیشوندی است به معنای بالا و بیرون و «هنگ» نیز از ریشه اوستایی «ننگ» به معنای کشیدن گرفته شده است.

«بیرون کشیدن و یا بالا کشیدن استعدادها و لیاقت‌های ذاتی نهفته در نهاد خرد و جامعه» است (آشوری، ۱۳۸۰: ص ۶۵). جامعه و فرهنگ به یک امر مشترک اطلاق نمی‌شوند. جامعه گروهی از افراد است که رسوم، سنن، طرز تلقی‌های مشترک و احساس وحدت و ویژگی کنش متقابل اعضای آن است و فرهنگ سیمایی است که انسجام اجزاء ترکیبی یک جامعه را حفظ می‌کند. فرهنگ مجموعه‌ای از مفاهیم و بیان نمادین در قلمرو ایده‌ها، آراء، هنر و تجربه افراد در بوتۀ مناسبات اجتماعی است (معینی، ۱۳۷۴: صص ۲ و ۳). این مفاهیم مشترک و تخیلات مشترک رفتار فرهنگی انسان‌ها را می‌سازند.

ارائه تعریفی اصطلاحی و فراگیر از فرهنگ که برای تمام صاحب‌نظران پذیرفتنی باشد - همانند تعریف بسیاری از پدیده‌های اجتماعی دیگر - به دلیل سیال بودن، وسعت جغرافیای اجتماعی آن و تفاوت در برداشت‌ها و تأکیدهای خاصی که از کاربرد آن نشئت می‌گیرد، کاری بسیار دشوار است.^۱ با این‌همه و برای درک بهتر این پدیده اجتماعی می‌توان آن را دو گونه تعریف کرد. از منظر فرهنگ‌شناسی به نوع نگاه یک جامعه و جهان‌بینی آن اطلاق می‌شود که در رفتارهای اجتماعی ظهور پیدا می‌کند. از این‌رو خود فرهنگ مشاهده‌پذیر نیست و آنچه مشاهده می‌شود برآمده از یک فرهنگ است. همانند یک نقاشی که بیان‌کننده ذهن نقاش و نوع نگاه اوست. تعریف دیگر از منظر جامعه‌شناسان است که به رفتارهای اجتماعی توجه کرده‌اند. از نظر آن‌ها فرهنگ عبارت است از نمود آن جهان‌بینی در کلیت یک جامعه. از این‌رو آن‌ها فرهنگ را به معنی آداب و رسوم، عادات اجتماعی، دانش‌ها، قوانین، هنرها و ... دانسته‌اند (رضوی فرد و فصیح رامندی، ۱۳۹۰: صص ۲۱۱-۲۰۷).

تمدن:^۲ در تعریف تمدن می‌توان رویکردهای مختلفی در نظر گرفت. سوروکین،

۱. «تعاریف متفاوتی براساس کاربرد فرهنگ هم ارائه شده است مانند تعریف‌های تاریخی که بر میراث اجتماعی در طول تاریخ جامعه تکیه دارد؛ تعریف‌های روان‌شناختی که بر الگو و روش تسهیل‌سازی با محیط و جامعه تکیه دارد؛ تعریف‌های ساختاری که در آن بر ایجاد شده‌ها توسط اجتماع بشری تأکید شده است؛ تعریف‌های تشریحی که بر عناصر تشکیل دهنده فرهنگ تأکید دارند» (عیسی‌زاده، ۱۳۹۶: صص ۷۴-۷۳).

فیلسوف تمدن‌پژوه، تمدن را پدیده‌ای در زندگی اجتماعی بشر می‌داند که در دوران‌های متفاوت شکل‌های متفاوتی پیدا می‌کند. از نظر او تمدن به لحاظ تاریخی دارای سه ماهیت مادی، معنوی و جامع در حال جریان است و هرآنچه را که فرهنگ است در بر می‌گیرد.

فوکوتساوا یوکیچی، تمدن‌پژوه برجسته، در کتاب نظریه تمدن، تمدن را داری دو سطح می‌داند سطح مادی و سطح معنوی که زیربنای تحقق تمدن است. سطح دوم را موتور محرک تمدن می‌داند که به شکل‌های مادی تمدن صورت می‌دهد. از این رو وی تمدن را پالایش معرفت و پرورش فضیلت می‌داند به نحوی که زندگی بشر را به مرتبه بالاتر برساند (یوکیچی، ۱۳۷۹: صص ۱۲۰-۱۱۹). به‌طور کلی می‌توان گفت که هر تمدنی برای تحقق نیازمند ایده هدایتگر است که به‌مثابه نقطه کانونی و قلب تمدن است. در بیشتر نظریه‌ها، امور غیرمادی سازنده اصلی این پدیده‌اند (نوروزی فیروز، ۱۳۹۴: ۱۲۶-۱۰۶).

ایرانیان: تعریف واژه ایرانیان، بدون توجه به ریشه تاریخی سرزمینی ایران، میسر نیست. ایران در پارسی میانه سرزمین آریاییان است (رضاییان، ۱۳۸۶: ص ۱۷). واژه آریا از ریشه «ایر» به معنی آزاده و جمع آن ایران به معنای آزادگان است و آریا در لغت به معنی شریف، اصیل و مولی آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱: ص ۱۱۰). فردوسی در شاهنامه (۱۳۵۳، ج ۱: ص ۷۰) درباره پسر سوم فریدون (ایرج) می‌گوید:

سَران را که بُد هوش و فرهنگ و رای مر او را چه خواندند؟ ایران خدای ایران در اینجا جمع «ایر» به معنی آزادگان و ایران‌خدای به معنی پادشاه آزادگان است. نخستین و کهن‌ترین کتیبه که تاکنون یافت شده است و نام ایران را در بر دارد اثری از اردشیر بابکان، نخستین پادشاه ساسانی (سده سوم میلادی)، در نقش رستم است که اردشیر را شاه ایران خطاب کرده است (افشار سیستانی، ۱۳۷۳: صص ۶۸ و ۶۹). ایرانی که امروزه در ذهن‌هاست نام سرزمین وسیعی است که پیش از اسلام نیز نام بومی آن ایران و ایرانشهر بوده است. این نام را باید از مرزبندی‌های جغرافیای سیاسی امروزی، که به دلیل تأثیرپذیری و تأثیرگذاری عنصر سیاست، قدرت و سلطه بیگانگان در این محیط جغرافیایی به وجود آمده است، جدا دانست. جامعه ساکن این جغرافیا در

طول تاریخ با نام سرزمینی آن، یعنی ایران، پیوند خورده و از آن‌ها به نام ایرانیان یاد شده است. اما در طول همین تاریخ مرزهای جغرافیایی آن تحت تأثیر حوادث تاریخی تغییر و گاه محو شده‌اند، مانند دوره حکومت‌های امپراتوری اسلامی و مغولان. از این‌رو واژه ایرانیان را باید نه به لحاظ تاریخ سیاسی بلکه به لحاظ تاریخ فرهنگی و با ملاحظه روند کلی هویت و شخصیت تاریخ مردمانی دانست که در فلات و سرزمین ایران زندگی کرده‌اند. با این ملاحظه تاریخی - فرهنگی، ایرانیان مردمانی هستند که وارث موارث مادی و معنوی پدران و مادران و اجداد خویش‌اند. مردمانی که در طی هزاران سال در جغرافیای وسیعی زندگی کرده و به واسطه ویژگی‌های محیطی، اجتماعی و رخدادهای تاریخی، هویتی مستقل را ایجاد و به نسل بعد خود منتقل کرده‌اند (یزدانی، ۱۳۹۶: ص ۲۶-۲۷). با توجه به سیر تاریخ جغرافیای سرزمین ایران و آن که در زمان نزول آیات قرآن و روایات معصومان^ع نام ایران و ایرانی بر جغرافیای وسیع‌تری از آنچه امروز هست گذاشته شده، در این مقاله نیز تلاش شده است تا با همان نگاه و بار فرهنگی به واژه ایران و ایرانی توجه شود.

۲. جایگاه آموزه امت در قرآن و سیره نبوی

امت^۱ واژه‌ای با بُرد معنایی بسیار وسیع که جامع مفاهیمی چون مردم (بقره: ۲۱۳)، قوم، قبیله، عشیره، گروه‌های نژادی و نیز ملت یا جامعه‌ای مذهبی که تحت لوای هدایت یک پیامبر قرار دارد (آل عمران: ۱۱۰ و بقره: ۱۴۳) باشد (دانشنامه بزرگ اسلامی، ج ۱۰: ص ۳۹۳۱). گرچه گفته شده این واژه بار اسلامی دارد، در قرآن بر غیرمسلمانان نیز اطلاق شده است.^۲ از این‌رو می‌تواند به معنای «شعب» نیز باشد. به این ترتیب، امت در

۱. در قرآن کریم ۶۵ بار به صورت مفرد یا جمع آمده است.

۲. در قرآن از مجموع آیاتی که واژه امت در آن‌ها به کار رفته است، با توجه به معنای اصلی امت در می‌یابیم که کاربردهای مختلف دارد:

- برای تمام افراد بشر: كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ... (بقره: ۲۱۳).

- برای افراد یک جامعه شهری یا منطقه‌ای و سرزمینی: كَذَلِكَ أَرْسَلْنَاكَ فِي أُمَّةٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهَا أُمَمٌ... (رعد: ۳۰).

برای گروهی از افراد یک جامعه یا امت: وَ لَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخِيَاءِ... (آل عمران: ۱۰۴)؛ وَ لَكَمَا وَرَدَ

مَاءَ مَدْيَنٍ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةٌ مِنَ النَّاسِ يَسْقُونَ... (قصص: ۲۳).

اندیشه جغرافیای سیاسی اسلام، ابتدا منحصر به جامعه مسلمانان نبود و غیرمسلمانان را نیز شامل می‌شد (زارعی، ۱۳۹۰: ص ۱۵۳). به‌مرور زمان این واژه به مفهوم اساسی در تاریخ اسلام تبدیل شد و نظریه امت، به معنی ملتی با عناصر قوام‌بخش ارزش‌های آسمانی اسلام تحت رهبری پیامبر ﷺ و سپس جانشینان آن حضرت، به آن اطلاق شد (همان: ص ۱۵۷).

آن‌طور که مشخص است در جغرافیایی سیاسی این تغییر، مبتنی بر گذر زمان و غلبه استعمال امت میان مسلمانان، از تعریف مذکور رخ داده است و اگر بخواهیم بر پایه آموزه‌های دینی و قرآنی به این موضوع وارد شویم، ریشه دینی محکمی برای این تعریف تصویرپذیر نیست. به تبع در حوزه تمدن و آن هم تمدن اسلامی به‌کارگیری نظریه امت، بدون توجه به معنای واژگانی آن در عصر نزول، که همان عصر حضور پیامبر ﷺ و دوره شروع و اساس تمدن اسلامی است، و این ادعا که «استعمال واژه و طرح «امت» برای گروهی از انسان‌ها، که براساس دین و احکام الهی و رهبری الهی متحد شده و به تشکیل جامعه دینی با اهداف مشترک اقدام کرده‌اند، برای نخستین بار در قرآن ارائه شده است» (عرفان و بیات، ۱۳۹۳: ص ۸)، دقیق و کاربردی نیست، زیرا با مراجعه به قرآن نقض این سخن آشکار می‌شود. جدای از این و همان‌طور که در ادامه مقاله به شکل خاص به این موضوع پرداخته خواهد شد، تمدن را اقلیت خلاق و رهبران نخبه هر جامعه می‌سازند (تاملین، ۱۳۸۵: ص ۱۴) و در تمدن دینی - اسلامی این اقلیت صفت ایمانی و مؤمن بودن^۱ را با توجه به ذات تمدن اسلامی، که تمدنی دینی و

برای قبایلی در یک منطقه یا در دل یک امت یا به عبارتی امت‌هایی در یک امت بزرگ‌تر: قیل یا نوح اهبطُ بِسَلَامٍ مِّنَّا وَ بَرَكَاتٍ عَلَیْكَ وَ عَلَی أُمَّمٍ مِّن مَّعَكَ وَ أُمَّمٍ سَمِعْتَهُمْ ثُمَّ یَمَسُّهُمْ مِّنَّا عَذَابٌ أَلِیمٌ (هود: ۴۸).
- برای فردی از افراد یک جامعه: إِنَّ إِبْرَاهِیمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا وَ لَمْ یَكُ مِنَ الْمُشْرِكِینَ (نحل: ۱۲۰).
- جامعه جنبنندگان و جانداران: وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِی الْأَرْضِ وَ لَآ طَائِرٍ یَطِیرُ یُجَنِّحُهِ إِلَّا أُمَّمٌ أُمَّتُكُم ... (انعام: ۳۸).
- برای نشان دادن یک روش اعتقادی یا دین و شریعت به معنای عام آن: إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَی أُمَّةٍ وَ إِنَّا عَلَی آثَارِهِمْ مُهْتَدُونَ (زخرف: ۲۲).

۱. امیرالمؤمنین در تعریف ایمان می‌فرماید: «الْإِیْمَانُ تَصَدِیقٌ بِالْجَنَانِ وَ إِقْرَارٌ بِاللِّسَانِ وَ عَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ»؛ ایمان تصدیق به قلب و اظهار و اعتراف به زبان و عمل به جوارح و اعضاست (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۶: ص ۷۴).

مبتنی بر ایمان و اتخاذ سنت پیامبر است، باید به همراه داشته باشد. از همین رو حضرت امام ع معتقد است که الگودهی و ساختارسازی جامعه بر عهده اقلیت نخبگان است- که گروه‌های مرجع را تشکیل می‌دهند- عزت و اقتدار جامعه و نیز ذلت و انحطاط آن به دست نخبگان رقم می‌خورد. لذا برای بررسی تحولات اجتماعی و رفتارهای جمعی راه صحیح این است که رفتار نخبگان جامعه بررسی شود. اگر نخبگان جامعه‌ای بر صلاح باشند، قطعاً عامه مردم نیز بر همان طریق خواهند بود و اگر آنان بر طریق فساد باشند، جامعه‌ای که از آن‌ها الگو می‌گیرد رستگار نخواهد شد (<http://www.imam-khomeini.ir>: ۱۳۹۱/۰۲/۰۲).

براین اساس می‌توان مدعی شد هنوز تمدن دینی مبتنی بر سیره و سنت نبوی، که تمدن آرمانی اسلام و مسلمانان است، محقق نشده است. خصوصاً پس از رحلت حضرت رسول ص به مهم‌ترین وصیت ایشان یعنی جانشینی اهل‌بیت- گروه نخبه و مرجع الگودهی تمدنی- توجه نشده است. اینکه امروزه از عنوان تمدن اسلامی استفاده می‌شود، جدای از اینکه این عنوان ساخته دست مستشرقان است (مستشرقان و تأثیر آن‌ها بر تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی فقط به اعتبار آیه «قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَإِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَا يَلِتْكُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئاً إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (حجرات: ۱۴)، قابل توجیه است که این تمدن صرفاً تمدنی اسلامی است و نه آن تمدنی که مبتنی بر آموزه‌های اصیل قرآن و نبوی بوده باشد.

۳. شواهد سنت‌های تاریخی - اجتماعی از منظر قرآن

سنت در لغت به معنی دوام و استمرار (جرجانی، ۱۴۰۳ق: ص ۱۲۲)؛ راه و روش (قرشی بنایی، ۱۴۱۴ق، ج ۲: ص ۴۷) و در اصطلاح به معنای قانون‌های اجتماعی، حقایق همه‌جایی و همیشگی است (فرمانیان، ۱۳۸۶: ص ۱۸). علوم اجتماعی و انسانی تلاش می‌کنند، تا با مطالعه رفتار اجتماعی انسان، به برخی قانون‌های کلی دست پیدا کنند تا فهم و پیش‌بینی حالت‌های اجتماعی، جهت تبیین و کنترل رفتارهای اجتماعی انسان‌ها، ممکن گردد. کشف قوانین اجتماعی هدف مهم این بررسی‌هاست که به ما این توانایی را خواهد داد تا بر اساس این قوانین و نظام حاکم بر جهان انسانی روند حوادث را

پیش بینی، هدف گذاری و کنترل نماییم (عراقی، ص ۲۴؛ آقایی، صص ۱۸-۱۷). برای این منظور، امروزه و در علوم اجتماعی جدید به انسان، جامعه و جهان بینی آن‌ها پرداخته می‌شود. در حالی که این علوم بر اساس مطالعات تجربی و پدیدارشناختی تلاش می‌کنند تا با نگرش انسان‌محوری و درکی انسانی که به خدا و جهان و انسان دارند مبانی و سنت‌های اجتماعی را تعریف کنند، اندیشمندان اسلامی تلاش می‌کنند تا بر اساس غنای محتوایی آیات قرآن و سایر متون دینی قوانین اجتماعی نظریه‌هایی را بیان نمایند، که بر خلاف علوم اجتماعی و براساس تغییر تمایلات انسانی، دچار نسبی بودن و موقتی بودن تئوری‌ها نشوند.

بر اساس نگرش دینی، سنت به تدبیر و ساماندهی جامعه توسط خداوند متعال گفته می‌شود که دارای تداوم و تکرار است. این سنت‌ها بیانگر قوانین و احکام حاکم بر پدیده‌های زندگی اجتماعی و روابط میان افراد و گروه‌ها هستند (رجبی، ۱۳۸۹: صص ۷-۵). به‌طور کلی می‌توان این سنت‌ها را در قالب سنت‌های انتخاب رهبر- امت و سنت‌های حاکم بر امت تبیین کرد.

۳-۱. سنت انتخاب حجت و رهبر الهی

از سنت‌های قرآن این است که خدا، برای رساندن جامعه به آن غایت مطلوب، ابتدا رهبرانی برمی‌گزیند. در این زمینه آیات فراوانی وجود دارد.

وَ إِذْ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبَّهُ بِكَلِمَاتٍ فَاتَمَّهَنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا؛ و چون ابراهیم را پروردگارش به کارهایی که او را بدان‌ها امر فرمود بیازمود و وی را به انجام آن‌ها موفق ساخت، گفت: من تو را پیشوای مردم قرار خواهم داد (بقره: ۱۲۴).

يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ؛ ای داوود، ما تو را در زمین خلیفه [و جانشین] گردانیدیم پس میان مردم به حق داوری کن (ص: ۲۶).

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيُقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ؛ ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آن‌ها کتاب و میزان نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند (حدید: ۲۵).

وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ؛ و ایشان را پیشوایانی قرار دادیم تا به سوی فرمان ما رهبری کنند و انجام کارهای نیک را به آن‌ها وحی کردیم (انبیاء: ۷۳).

حکومت الهی بدون قیام و هدایت یک خلیفهٔ منتخب دینی، برای ادارهٔ امور، ممکن نمی‌شود. دلیل آن هم وقوف و آگاهی خلیفهٔ منتخب الهی به شریعت و امور دینی است. اساساً حکومت پایهٔ تحقق ثبات اجتماعی و حرکت به سوی تمدن است. از این جهت تحقق تمدن اسلامی، بدون وجود حکومت و حجت منتخب، تمدن دینی نخواهد بود.

۲-۳. سنت انتخاب امت و همراه این رهبران در مرحلهٔ دوم امتی برگزیده می‌شود
از سوی دیگر و طبق آیات دیگر قرآن کریم، این خلافت الهی به صورت فردی آغاز می‌شود و در نهایت ارادهٔ الهی بر آن است تا به خلافت جمعی ختم شود. وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا؛ خدا به کسانی از شما که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند وعده داد که در روی زمین جانشین دیگرانشان کند، هم چنان که مردمی را که پیش از آن‌ها بودند جانشین دیگران کرد. و دینشان را- که خود برایشان پسندیده است- استوار سازد. و وحشتشان را به ایمنی بدل کند. مرا می‌پرستند و هیچ چیزی را با من شریک نمی‌کنند (نور: ۵۵).

در خلال هدایت رهبر منتخب الهی، جماعتی نشو و نما می‌کنند که به سوی تحقق عدالت و تحقق نیکی‌ها قدم برمی‌دارند. كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ؛ شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده‌اید به کار پسندیده فرمان می‌دهید و از کار ناپسند بازمی‌دارید در توصیف این جماعت که رهبر و پیروان در سیری تکاملی قدم برمی‌دارند (آل عمران: ۱۱۰). قرآن کریم می‌فرماید: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ؛ و بدین گونه شما را امتی میانه قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید» (بقره: ۱۴۳).

۳-۳. سنت‌های حاکم بر جامعه

قرآن کریم، پیش از هر منبع آسمانی دیگر، از سنت‌ها یا قوانین ثابت در تفسیر حرکت تاریخ یاد کرده است. در این بخش هدف بیان تمامی سنن حاکم بر جامعه نیست، بلکه به فراخور محتوا و نیاز مقاله سنت‌های مهم استخلاف، استبدال و مداوله برای ورود به بحث مطرح می‌شود.

سنت استخلاف: به معنای جانشین قرار دادن است. این واژه علاوه بر سنت اجتماعی در فقه کاربرد دارد (نجفی، بی تا: ج ۱۳: ص ۳۶۹ و ج ۴۰: صص ۴۷ و ۶۵ تا ۶۷؛ هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲، ج ۱: ص ۴۳۲). برای نمونه می توان به بیان این سنت در گفتگوی خداوند و ملائکه و قضاوت آن ها در مورد انسان اشاره کرد که خداوند متعال از اراده خود برای خلیفه شدن انسان بر روی زمین صحبت کرده است: *وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَتُقَدِّسُ لَكَ قَالَتْ إِنَّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ؛* و چون پروردگارت به فرشتگان گفت: من می خواهم در زمین جانشینی بیافرینم گفتند: در آنجا مخلوقی پدید می آوری که تباهی کنند و خون ها بریزد؟ با اینکه ما تو را به پاکی می ستاییم و تقدیس می گوئیم؟ گفت من چیزها می دانم که شما نمی دانید (بقره: ۳۰). در این آیه واضح است که مراد از خلیفه فقط حضرت آدم نیست بلکه مراد جنس انسان است که طبق این سنت بر روی زمین مستقر خواهد بود (طباطبایی، ۱۳۸۲، ج ۱: صص ۱۷۹-۱۷۶). همان طور که در سوره حجر (آیه ۲۸) به این مطلب پرداخته است: *وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِّنْ صَلْصَالٍ مِّنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ؛* و یاد کن زمانی را که پروردگار تو به فرشتگان گفت: من از گلی خشکیده که آن از گلی سیاه و بدبو و دگرگون شده است بشری خواهم آفرید.

با آنکه این آیات کلیت استخلاف انسان را بیان کرده اند، در آیات دیگر سستی بیان می شود که استخلاف بر استخلاف است. به این معنی که در ابتدا همه انسان ها خلیفه خداوند بر روی زمین هستند چون همه آن ها حامل امانت الهی هستند: *إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا؛* ما آن امانت را بر آسمان ها و زمین و کوه ها عرضه کردیم، پس آن ها از تحمل آن امتناع کردند، و ترسیدند، و انسان آن را حمل کرد، چون انسان ستم پیشه و جاهل بود (۷۲: احزاب)؛ اما گروهی که به پیمان ها وفادار باشند به سروری و رهبری همه آن انسان ها خواهند رسید: *وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ؛* خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند وعده داده است که آنان را در زمین جانشین امت های گذشته کند، چنان که شایستگان امت های پیشین را در زمین جانشین دیگران قرار داد (نور: ۵۵).

سنت استبدال: استبدال به معنای قرار دادن شیئی به جای شیء دیگر است (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ص ۲۴۷) و در اصطلاح اجتماعی عبارت است از تبدیل جامعه‌ای به جامعه دیگر. آموزه‌های قرآنی بیانگر آن است که دین خدا به فرد یا گروهی وابسته و مدیون نیست و اگر گروهی، از روی غرور و خودخواهی، دین را رها کنند و چنین پندارند که اگر آن‌ها از دین برگردند دین خدا از بین می‌رود، باید بدانند خداوند اقوام دیگری را می‌آورد که آن‌ها به مراتب، قوی‌تر و مؤمن‌تر از ایشان خواهند بود (جعفری، ۱۳۷۷، ج ۳: ص ۱۸۵). چنانچه دین و رهبران الهی را یاری و نصرت نرسانند، تمدن و قدرت از آن‌ها سلب و به دست قومی دیگر سپرده می‌شود تا جامعه‌ای وفادار به طاعت و نصرت را شکل دهند. این همان است که از آن به سنت استبدال الهی یاد می‌شود (خانی‌مقدم و زاهدی، ۱۳۹۴: ص ۴۶).

عواملی که در تبدیل جامعه‌ای به جامعه دیگر دخیل هستند عبارت‌اند از طرد خلیفه به حق رسول خدا ﷺ که از جانب خداوند منصوب است؛ کوتاهی در جهاد؛ سهل‌انگاری در تطبیق دین در جامعه و رها کردن مبادی و ارزش‌های اخلاقی و انحراف از شریعت دینی. اما جامعه‌ای که جایگزین جامعه قبل می‌شود نیز دارای شرایطی است، از آن جمله تمسک به ولایت خلیفه الهی که به‌عنوان جانشین رسول از جانب خداوند معرفی شده است؛ جهاد در راه خدا؛ سعی و کوشش به جهت پیاده کردن اسلام در جامعه (رضوانی، ۱۳۸۶: صص ۲۶-۲۵).

سنت مداوله: تقویت باور قانونمندی تاریخ از طریق دستیابی به سنت‌های الهی از مهم‌ترین اهداف قرآن کریم در دعوت مسلمانان به جستجوی در تاریخ است که به معنادار ساختن تحولات و رویدادهای اجتماعی و باز شدن دریچه‌ای نو برای فهم اهداف الهی در تربیت جوامع و تمدن انسانی منجر می‌شود. «مداوله»، به مفهوم گردش روزگار، یکی از همین قوانین و سنت‌های اجتماعی است که آیات ۱۴۰ و ۱۴۱ سوره آل عمران به‌صراحت به آن پرداخته‌اند.^۱ طبق این آیات، پیروزی نهایی حق بر باطل و

۱. **إِنْ يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِّثْلُهُ وَ تِلْكَ الْآيَاتُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَ لِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ يَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ.**

در فراز و فرود حوادث اجتماعی خدشه‌دار نخواهد شد، زیرا رسالت الهی هرگز شکست نخواهد خورد. گرچه شاید برخی از مسلمانان بر اثر سستی و کاهلی شکست بخورند، خداوند رسالت خویش را توسط قوم و نسل دیگری به سرانجام خواهد رساند (صدر، ۱۳۶۹: صص ۷۸-۷۹).

۴-۳. انعکاس جایگاه ایرانیان در آیات و روایات منطبق با سنت‌های الهی

جامعه ایرانی از مؤثرترین و فعال‌ترین جوامع تاریخ اسلام بوده است. بزرگان این قوم خدمات فراوانی، جهت ترویج اندیشه‌های اسلامی، انجام داده‌اند. پیشینه تاریخی ایرانیان آن‌چنان پررنگ است که کتاب‌های فراوانی جهت معرفی خدمات ایرانیان به اسلام نگاشته شده است و هریک از منظری خاص به این مقوله پرداخته‌اند. اما از منظری دیگر (سنت‌های الهی) می‌توان نقش ایرانیان را، باتوجه به آینده جهان و جهان اسلام، دید و به آن توجه کرد که بالاخص می‌تواند برای جامعه متدین ایرانی یکی از موضوعات جالب توجه باشد.

از سنت‌های قرآن این است که خدا، برای رساندن جامعه به غایت مطلوب، ابتدا رهبرانی برمی‌گزیند و همراه این رهبران و در مرحله دوم امتی برگزیده می‌شوند. در مورد آن‌ها نیز، به گواه تاریخ، سنت‌هایی الهی حاکم می‌شوند. در کنار سنت تخلف‌ناپذیر وجود یک حجت در عالم آفرینش و جهان هستی، که تمام مسلمانان، چه شیعه و چه سنی (حجاج نیشابوری، ۱۴۰۷ق: باب ۱؛ بخاری، ۱۴۱۰ق، ج ۴: ص ۲۱۸ و ج ۹: ص ۷۸)،^۱ آن را می‌پذیرند باید امتی نیز همراه او باشد تا هم زمینه اجرای دین و هم گسترش دین را تحقق بخشند. این امت‌ها، که همراه رهبران الهی هستند و باید جامعه بشری را به غایت نهایی و مطلوب الهی برسانند، امت‌هایی هستند که باید بر دو پیمان پایدار و وفادار و استوار باشند:

۱. پیمان اطاعت و پیروی از دستورات الهی: این پیمان با همه امت انبیاء بسته شده است، من جمله با امت پیامبر: **وَ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمِيثَاقَهُ الّٰذِي وَاثَقَّكُمْ بِهِ اِذْ قُلْتُمْ سَمِعْنَا وَاَطَعْنَا وَ اتَّقُوا اللَّهَ اِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ**؛ و نعمت خدا را که بر

۱. الائمة من قريش ما بقى من الناس اثنان.

شما ارزانی داشته و نیز پیمانش که شما را بدان متعهد ساخته آن گاه که گفتید: شنیدیم و اطاعت کردیم، به یاد داشته باشید و از خدا پروا کنید که خدا به راز سینه‌ها داناست (مائده: ۷)؛

۲. پیمان نصرت: **إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًّا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ؛** همانا خدا از مؤمنان، جان و مالشان را در برابر این که بهشت برای آنان باشد خریده است، بدین صورت که در راه خدا پیکار کنند و بکشند و کشته شوند این را خداوند به‌عنوان وعده‌ای راست و درست بر خویش واجب کرده و در تورات و انجیل و قرآن آن را به‌عنوان سند معامله ثبت کرده است. و کیست که به پیمان خویش از خدا وفادارتر باشد؟ پس به این دادوستدی که به آن دست یافته‌اید شادمان باشید، و این است آن سعادت بزرگ (توبه: ۱۱۱). این همان پیمانی است که حضرت علی آن را در پایان زندگی خود اعلام کردند: **«فُؤْتُ وَ رَبِّ الْكَعْبَةِ»** (ابن قتیبه الدینوری، ۱۴۱۰ق، ج: ۱، ص: ۱۸۰؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ق، ج: ۱، ص: ۳۳۷). یعنی من بر این دو پیمان پایدار بودم.

در قرآن کریم بیان شده که بنی‌اسرائیل پیمان شکنی کردند و به همین دلیل سنت استبدال بر آن‌ها حاکم شد و بنی‌اسرائیل از عرصه تاریخی سنت‌های الهی، یعنی همراهی رهبران الهی، جهت تحقق دین و اهداف رسالت کنار گذاشته شدند: **فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ وَرِثُوا الْكِتَابَ...؛** پس از آن شایستگان، جانشینانی کتاب آسمانی تورات را به ارث بردند و احکام و معارف آن را دریافت کردند (اعراف: ۱۶۹). قرآن در آیات دیگر دلیل این تغییر امت را بیان می‌فرماید: **«فَمَا نَقَّضَهُمْ مِيثَاقَهُمْ وَ كَفَرَهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ وَ قَتَلَهُمُ الْأَنْبِيَاءَ بَغَيْرِ حَقٍّ وَ قَوْلِهِمْ قُلُوبُنَا غُلْفٌ بَلْ طَبَعَ اللَّهُ عَلَيْهَا بِكُفْرِهِمْ؛** پس به سبب اینکه پیمانشان را شکستند و به آیات خدا کافر شدند و پیامبران را به ناحق کشتند و گفتند: دل‌های ما از دریافت پیام در پرده است. بلکه چنین نیست، الله به سزای کفرشان بر دل‌های آنان مهر نهاده است» (نساء: ۱۵۵). به این مطلب در جای‌جای قرآن کریم تأکید شده است.

ابتدا بنی‌اسرائیل برای یک چنین امر مهمی برگزیده شدند: **وَلَقَدْ اخْتَرْنَاَهُمْ عَلَى عِلْمٍ**

عَلَى الْعَالَمِينَ؛ و قطعاً از روی آگاهی بنی اسرائیل را برگزیدیم و بر جهانیان برتری بخشیدیم (دخان: ۳۲). ولی در نتیجه پیمان شکنی، که هم پیمان اطاعت را شکستند و هم پیمان نصرت را، این قوم مشمول قانون استبدال شدند و کنار گذاشته شدند. اما قوم دیگری یعنی فرزندان اسماعیل و قوم مسلمانان جایگزین قوم بنی اسرائیل شدند. در ابتدا نیز، از مسلمانان، قوم عرب برای این کار برگزیده شد. بدون شک قوم عرب برای تشکیل این قوم مسلمانان پشتتاز بودند. لذا فرمود: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ؛ اوست که در میان مردم عرب، که خواندن و نوشتن نمی دانستند، پیامبری از خودشان برانگیخت؛ پیامبری که آیات خدا را بر آنان تلاوت می کند و آنان را به وسیله کارهای شایسته و اخلاق نیکو رشد می دهد و قرآن و معارف آن را به ایشان می آموزد، و آنان قطعاً پیش از این در گمراهی آشکاری فرو رفته بودند» (جمعه: ۲). مشخص است منظور از امیین قوم عرب است.

لکن از آیات قرآن استفاده می شود که، در پابندی به این میثاق و پیمان، قومی دیگر جایگزین قوم عرب می شوند. این سنت الهی است که اگر قومی نقض پیمان کردند سنت استبدال بر آنها حاکم خواهد شد. این تغییر و جایگزینی یک امت بر امت عرب در قرآن کریم و در روایات آمده است. در سومین آیه سوره جمعه و در ادامه تبیین هدف از بعثت انبیاء و رهبران الهی می فرماید: «وَأَخْرَيْنَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ؛ و نیز برای جمعیت دیگری از آن مردم که هنوز به ایشان نپیوسته اند آن پیامبر را به رسالت برانگیخت. و خداست که اراده اش غالب و کارهایش همه براساس حکمت است». در صحیح مسلم از پیامبر اسلام ﷺ روایت در بیان و تفسیر «وَأَخْرَيْنَ مِنْهُمْ» آمده است: «عن أبي هريره قال كنا جلوسا عند النبي إذا نزلت عليه سورة الجمعة فلما قرأ "وَأَخْرَيْنَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ" قال رجل من هؤلاء، يا رسول الله فلم يراجعه النبي حتى سأله مرة أو مرتين أو ثلاثا. قال: وفينا سلمان الفارسي. قال: فوضع النبي يده على سلمان، ثم قال لو كان الايمان عند الثريا لناله رجال من هؤلاء» (حجاج نیشابوری، ۱۴۰۷، ج ۷: صص ۱۹۲-۱۹۱). این را هم صحیح مسلم در فضل فارس آورده است و هم صحیح

بخاری در باب تفسیر سوره جمعه.^۱ در قرآن پنج آیه است که، بنابر تفاسیر، مخصوص ایرانیان است. این‌ها مردمان دیگری (غیر عرب) هستند که سرانجام به یاری دین خواهند پرداخت و بر پیمان اطاعت و نصرت وفادار خواهند بود. از این رو به یاری این مردم دین و حاکمیت الهی، که به ظهور واقعی تمدن اسلامی منجر می‌شود، برپا خواهد شد.

آیه دیگر آیه ۸۹ سوره انعام است که خداوند متعال می‌فرماید: «فَإِنْ يَكْفُرْ بِهَا هَؤُلَاءِ فَقَدْ وَكَلْنَا بِهَا قَوْمًا لَّيْسُوا بِكَاْفِرِينَ؛ و اگر نسبت به آن کفر ورزند، (آیین حق زمین نمی‌ماند زیرا) کسان دیگری را نگاهبان آن می‌سازیم که نسبت به آن کافر نیستند». در قاموس قرآن آمده و زمخشری در الکشاف آورده است که «هم الفرس» (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲: ص ۴۳؛ قرشی بنائی، ۱۳۷۱، ج ۴: ص ۲۹۹) و تفسیر نور، به نقل از تفسیر المنار و روح المعانی و سایر مفسران، در تفسیر این آیه آورده است که منظور ایرانیان هستند. زمخشری در ادامه می‌گوید: «و معنی توکیلهم بها: أنهم وفقوا للإيمان بها والقيام بحقوقها كما يوكل الرجل بالشيء ليقوم به ويتعهد به ويحافظ عليه» (قرائتی، ۱۳۷۴، ج ۷: صص ۵۰۶-۵۰۵).

آیه دیگر آیه ۳۹ سوره توبه است: «إِلَّا تَتُوبُوا يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَ يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَ لَا تَضُرُّوهُ شَيْئًا وَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛ اگر برای جهاد حرکت نکنید، خداوند شما را به عذابی دردناک کیفر می‌دهد و به جای شما مردمی دیگر می‌آورد که فرمان جهاد را نادیده نمی‌انگارند و در آن سستی نمی‌ورزند، و اگر خدا شما را از میان ببرد هیچ زیانی به او نمی‌رسانید بلکه خود زیانکار خواهید شد که خداوند بر هر کاری تواناست. باز هم در تفسیر آیه «وَ يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ» آمده است منظور از این قوم «قوم الفرس» هستند (همان، ج ۲: ص ۳۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۲: ص ۵۲؛ هاشمی خویی، ۱۴۰۰، ج ۱۲: ص ۴۶).

۱. حدثني عبد العزيز بن عبد الله قال حدثني سليمان بن بلال عن ثور عن أبي الغيث عن أبي هريرة رضي الله عنه قال كنا جلوسا عند النبي صلى الله عليه وسلم فأُنزلت عليه سورة الجمعة وآخرين منهم لما يلحقوا بهم قال قلت من هم يا رسول الله فلم يراجعه حتى سألت ثلاثا وفتينا سلمان الفارسي وضع رسول الله صلى الله عليه وسلم يده على سلمان ثم قال لو كان الإيمان عند الثريا لئله رجال أو رجل من هؤلاء (بخاری، ۱۴۱۰، ج ۶: ص ۶۳).

چهارمین آیه آیه ۳۸ سوره محمد است: «وَإِنْ تَوَلَّوْا يَسْتَبَدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ؛ و اگر از ایمان و تقوا روی برتافتید و از انفاق در راه خدا امتناع کردید، خدا مردمی غیر از شما را جایگزین شما می کند، سپس آنان همچون شما نخواهند بود، بلکه ایمان می آورند و از اموال خود در راه خدا انفاق می کنند. زمخشری در تفسیر این آیه هم می گوید: «وسئل رسول الله عن القوم وکان سلمان إلى جنبه، ف ضرب علی فخذہ و قال: "هذا و قومه و الذی نفسہ بیده لو کان الايمان موطأً بالثريا لتناولہ رجال من الفارس"» (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۳: ص ۵۴۰). المیزان نیز به نقل از درالمنثور همین سخن پیامبر ﷺ را نقل کرده است (طباطبایی، ۱۳۸۲، ج ۱۸: ص ۳۷۷).

در تفسیر آیه ۵۴ سوره مائده که فرمود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةً لَآتِمَةً ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» روایات به جایگاه ایرانیان پرداخته اند. زمخشری می گوید: «سئل رسول الله عنهم فسوف يأتي الله بقوم کیست؟ (جالب است که کلمه سوف با فعل مضارع آمده است که می تواند نشانه این باشد که در آینده ای نه خیلی نزدیک این قوم خواهند آمد) وقيل سئل رسول الله عنهم. ف ضرب يده علی عاتق سلمان و قال: هذا وذووه. ثم قال: لو كان الايمان معلقا بالثريا لئاله رجال من أبناء فارس» (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ص ۶۲۱). ابوالفتوح رازی هم در تفسیرش می گوید: «وقال آخرون: هم الفرس لأنه روى أن النبي لما سئل عن هذه الآية ضرب بيده علی عاتق سلمان و قال: هذا وذووه، ثم قال: لو كان الدين معلقا بالثريا لئاله رجال من أبناء فارس» (ابوالفتوح رازی، ۱۳۷۱، ج ۱۲: ص ۱۸). سایر تفاسیر نیز این تفسیر از آیه را نقل کرده اند (طبرسی، ۱۳۷۵، ج ۲: ص ۸۸؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۱۲: ص ۲۵۳؛ ثقفی تهرانی، ۱۳۸۶، ج ۲: ص ۲۲۸). تفسیر نمونه نیز همین روایت را در بیان این آیه آورده است و در ادامه تأکید کرده است: «شکی نیست که این روایات که در تفسیر آیه وارد شده با هم تضاد ندارند، زیرا این آیه همان طور که سیره قرآن است یک مفهوم کلی و جامع را بیان می کند که علی ﷺ یا سلمان فارسی مصداق های مهم آن هستند» (مکارم شیرازی، ۱۴۱۴ق، ج ۴: ص ۴۱۹). باتوجه به تحلیل مقاله از سنت های

الهی، این روایات می‌توانند از این جهت مکمل هم باشند که هم سنت انتخاب رهبر الهی و هم سنت امت همراه او را بیان کرده‌اند و این مبحث مهمی است که در آینده تاریخ اسلام و برای بازگشت اسلام و تحقق آن جامعه و آن غایت، یعنی تحقق فرهنگ و تمدن واقعی اسلام، نقش ایرانیان نقش اول است.

۳-۵. روند تاریخی کنش جامعه ایرانی در تحقق سنت الهی

آن قومی می‌توانند جامعه عدل و حکومت منطبق با ساخت فکری، فرهنگی و تمدنی اسلام را به پا کنند که هم بر پیمان اطاعت و هم پیمان نصرت ثابت قدم باشند و فشارها آن‌ها را از آن پیمان‌ها جدا نکند. جامعه ایرانی با آغاز خیزش و احیاء مجدد فرهنگ اصیل اسلامی در حال گسترش این جریان است. جامعه عرب مسلمان در پیمان با خدا و رسول کوتاهی کرد؛ آن روزی که علی را تنها گذاشتند. فرمان پیامبر این بود: «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء: ۵۹). علی بن ابی طالب مسلماً و به اتفاق کل مسلمانان ولی الامر است. خوب اینجا اطاعت از ولی مسلمین صورت نگرفت و به تبع نصرت حضرت هم صورت نگرفت. همین جا بود که پیمان شکست خورد و پیمان اطاعت از رسول اکرم ﷺ و نصرت او شکسته شد، هنگامی که علی ﷺ و اهل بیت تنها ماندند.

۳-۶. ظهور جریانات فعال و متمایل به شیعه امامی در جغرافیای اجتماعی و سرزمینی ایران تا پیش از ظهور سربداران

دین اسلام طی بیست و سه سال رسالت رسول خدا ﷺ نخستین بار در ظرف فرهنگ انسانی و اجتماعی قوم عرب ظاهر شد و تلاش شد تا علاوه بر جنبه‌های تأسیسی با سه معیار امضاء، انکار و اصلاح به مواجهه با موارد و مظاهر فرهنگ پردازد. باین همه، طی مواجهه همه جانبه بیست و سه ساله رسول خدا ﷺ، فرهنگ ریشه دار عربی به طور کامل محو نگردید، اما با مجاهدت‌های سخت و پیگیر آن حضرت و ایمان آورندگان راستین زمینه گسترش و رشد آن برای تأسیس و پی‌ریزی تمدن نوین اسلام فراهم شد.

پس از رحلت رسول خدا ﷺ، فرهنگ نوپای اسلامی پس از ظهور و غلبه بر فرهنگ عربی، به عاملیت اعراب مسلمان، راه به سوی مناطق فرامرزی جزیره العرب گشود و

به سرعت بر جوامع بزرگ آن روزگار غلبه سیاسی یافت. قوم ایرانی از جمله نخستین جوامعی بود که اعراب مسلمان، پس از خروج از جزیره العرب، با آن‌ها روبه‌رو شدند. بنا به داده‌ها و مستندات تاریخی طی سه قرن نخست هجری مواجهه‌های گوناگونی چون تحقیر و تبعیض (توسط امویان) یا اخذ و اقتباس و استثمار (توسط عباسیان) میان این دو جامعه رخ داد (یزدانی احمدآبادی، ۱۳۹۶: صص ۳ و ۸۴).

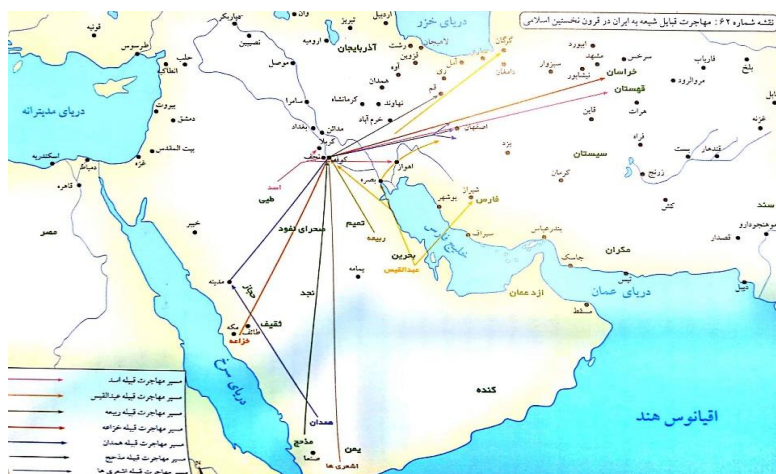
باین‌همه امامان، به‌عنوان رهبران منتخب الهی، در این دوران جهت حفظ و تثبیت فرهنگ اصیل اسلامی از طریق معرفی آموزه‌های اصیل اسلامی، معرفی جایگاه امامت، تربیت شاگردان و ... تلاش فراوانی انجام دادند. به‌مرورزمان، در میان جوامع تازه‌تصرف‌شده به این تلاش‌ها توجه شد و مردم از آن‌ها استقبال کردند و این آغازی شد برای دوران توجه و احیاء مجدد آموزه‌های اصیلی که پیامبر اسلام ﷺ و وحی بر آن تأکید داشتند (همان: صص ۱۴۸-۹۱). این دوران را باید زمینه آغاز و بازگشت به پیمانی دانست که به‌مرور جامعه عرب مسلمان از آن غفلت می‌کرد.

در کل تاریخ جهان اسلام به قاطعیت می‌توان گفت که تنها سرزمین و مردمانی که با اندیشه و راه راستین امامان ﷺ همراهی داشته‌اند ایرانیان بوده‌اند. این بیان بر دو تصویر کلی که تاریخ برای ما ثبت کرده استوار است. یکی جغرافیای سرزمین ایران^۱ است که هم پناهگاه مهاجران و بزرگان شیعه و هم محل فعالیت مراکز اصلی فکر و فرهنگ شیعه بوده است. شهرهای کوفه، نجف، قم، کاشان، آوه، ری و کرج ابودلف و ... همگی در این جغرافیا پدید آمدند. اگر این مطلب را در قیاس با شهرهای حجاز قرار دهیم اهمیت آن بیشتر مشخص می‌شود. با آنکه سیره ائمه و اهل بیت بر این بود تا در مدینه حضور داشته باشند و به گسترش فرهنگ شیعه بپردازند، به‌جز یک دوره تاریخی که حکومت اشراف با ادعای شیعی و به‌صورت محلی شکل گرفت، در هیچ دوره دیگری حکومتی با گرایش‌های امامی به وجود نیامده است. حتی همین حکومت هم، باتوجه‌به وضعیت‌های سیاسی، گاه ادعای شیعه امامی، گاه اسماعیلی داشته و گاه خود را حکومتی سنی خوانده است (السخاوی، ۱۴۱۴ق، ج ۱: ص ۳۶۰؛ جعفریان، ۱۳۸۷: ص ۴۱۵).

۱. منظور از ایران همان منطقه جغرافیایی دوره ساسانی است که توسط اعراب تصرف شد و پیش‌تر تعریف آن در بخش مفاهیم آمد.



تصویر ۱. جغرافیایی سرزمینی ایران دوره ساسانی



تصویر ۲. نقشه کوچ قبائل عرب شیعی به سوی سرزمین ایران (جعفریان، ۱۳۸۷، نقشه ۶۲)

و دلیل دوم ظهور گروه‌های دوستدار اهل بیت در ایران است. این‌ها در دو گروه دسته‌بندی می‌شوند. «عالمان و نویسندگان شیعه ایرانی» و «سنیان متشیع ایرانی». این افراد به دلیل علمشان اشخاص تأثیرگذاری در فرایند ایجاد امتی ایرانی - شیعی شدند. از افراد گروه اول می‌توان به ابوسلیمان یحیی بن یعمر عدوانی،^۱ شاگرد ابوالاسود دثلی، متولد اهواز و ساکن بصره که اصالتاً ایرانی و شیعه بود، اشاره کرد. گرچه جنس تشیع

۱. او شاگرد امام سجاد نیز بوده است (سامانی، ۱۳۹۳: ص ۳۴۳).

او مشخص نیست گفته شده است که او نخستین شخص یا بهتر بگوییم جزو نخستین افرادی بوده که قرآن را نقطه‌گذاری کرده‌اند (امین، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ص ۱۳۰).

از افراد گروه دوم نیز می‌توان به حاکم نیشابوری^۱ اشاره کرد. او قاضی نیشابور و از بزرگان حدیث بود. سیدحسن صدر او را پدیدآورنده علم «درایه» دانسته است.^۲ این شخص از جمله افراد سنی متشیع است که به امام علی^ع و خاندان پیامبر (علویان) علاقه نشان می‌داده است. او از روی علاقه به امام رضا^ع کتابی با عنوان «مفاخر الرضا» تالیف کرد (جعفریان، ۱۳۸۶، ج ۱: ص ۳۸۷). بسیاری از روایات در فضیلت اهل بیت^ع از طریق حاکم نیشابوری به ما رسیده است.^۳

از این رو حتی در دوره‌هایی که شیعه مذهب غالب سرزمین ایران نبوده است، علاقه و گرایش اجتماعی ایرانیان به اهل بیت^ع باعث شده تا ایرانیان را «سنیان متشیع» بنامند (همان: ص ۳۸۵) که خود نشانه مهمی از اعتدال مذهبی و علاقه جامعه به اهل بیت است.

جدول ۱. مهاجران علوی تا قرن ۵ به نقل از کتاب «منتقلة الطالبيه» (همان: ص ۱۵۶)

| | | | |
|----|---------|----|------------|
| 7 | کرمان | 3 | آذربایجان |
| 2 | سیرجان | 5 | ایهر |
| 2 | جیرفت | 2 | اردبیل |
| 23 | شیراز | 35 | اهواز |
| 6 | فارس | 8 | ارجان |
| 5 | فسا | 33 | اصفهان |
| 2 | یزد | 4 | بروجرد |
| 11 | همدان | 2 | تستر |
| 2 | طالقان | 2 | چندی‌شاپور |
| 2 | طیس | 4 | گیلان |
| 6 | طوس | 32 | چرجان |
| 15 | سمرقند | 15 | خراسان |
| 3 | سجستان | 6 | دیلم |
| 27 | قزوین | 3 | رامهرمز |
| 23 | قم | 3 | راوند |
| 2 | کازرون | 66 | دی |
| 21 | نیشابور | 2 | رویان |
| 3 | ورامین | 3 | سایور |
| 14 | چالوس | 8 | مرو |
| 76 | طبرستان | | |

۱. ابوعبدالله محمد بن عبدالله مشهور به حاکم نیشابوری و متوفی ۴۰۵ق (حاجی خلیفه، ۱۳۷۶: ص ۳۱۷).

۲. البته این نظر با وجود کتاب «قاضی ابومحمد رامهرمزی» (۳۶۰ق) نگارنده کتاب «المحدث الفاصل بین الراوی و الواعی» رد شده است (صدر، ۱۳۷۶: ص ۲۹۴؛ www.library.tebyan.net/fa/Viewer/Text/145579/1).

۳. برخی از این روایات را نگاه کنید: www.sonnat.net/article.asp?id=4260&cat=109

۱-۶-۳. ظهور سرمداران و آغاز فرایند تثبیت فکری- فرهنگی شیعه امامی تا انقلاب اسلامی ایران

در کنار تلاش‌های علمای شیعه امامی برای زنده نگه داشتن این مذهب، ایجاد حکومت‌های مستقل و نیمه‌مستقل شیعی جهت تداوم و تثبیت این فرهنگ مؤثر بوده است. شاخه شیخیان سرمداران خراسان جریانی بود که تحت تعالیم شیعه دوازده‌امامی، برای رفع ظلم و جور و گسترش عدل و عدالت، حرکت خود را آغاز کرد (مستوفی، ۱۳۶۴: ص ۳۶۹). از این رو و باتوجه به علائق شیعی رهبران این جریان، سبزواری، که شهری با اکثریت شیعه بود، مرکز حکومت خود قرار دادند (آزند، ۱۳۶۵: ص ۳۲) و در این جهت به تحرکاتی همچون دعوت از علمای شیعی برای حضور در حکومت سرمداران، انتشار کتاب‌های مرتبط با مذهب شیعه، تشویق شاعران شیعی و پشتیبانی از قیام‌ها و شورش‌هایی دست زدند که رنگ‌وبوی شیعی داشتند یا همسو با آرمان‌ها و اهداف سرمداران بودند (پرهیزکاری، ۱۳۹۲: ص ۳۳).

این کار تا آنجا هدفمند بود که خواجه علی‌بن مؤید، آخرین حاکم سرمداری، سادات را بر علما ترجیح می‌داد (آزند، ۱۳۶۵: ص ۶۴). سرمداران برای اهدافی که داشتند تلاش کردند تا برخی از علمای شیعه را به سبزواری بیاورند (پطروشفسکی، ۱۳۵۱: ص ۹۹). علی‌بن مؤید در نامه‌ای با ادای احترام به شهید اول از او خواست تا به خراسان بیاید، اما او نپذیرفت و در جواب کتاب «لمعه دمشقیه» را برای سرمداران نوشت (میرخواند، ۱۳۸۰: ج ۵، ص ۵۱۶).

با ظهور صفویه، فرایند قدرت یافتن تثبیت فکر شیعه و ایجاد اولین ساختار تمدن شیعی امامی، یعنی شکل‌گیری کلان حکومت شیعه امامی، به وقوع پیوست و توانست سطح وسیعی از جغرافیای سیاسی- اجتماعی را تحت پوشش قرار دهد. رسمیت مذهب تشیع در دوره صفوی و تأثیرات عمیق این مذهب در باورها و اعتقادات ایرانیان موجب شد تا اشعار، ادعیه، و نقوش نمادین در وصف ائمه بر روی مسکوکات منعکس گردد (فیضی و همکاران، ۱۳۹۵: ص ۱۳). این رویه تا انقلاب ایران در بسیاری از عرصه‌ها همچون گسترش و توسعه مراکز مذهبی و قدرت یافتن حاکمیت معنوی علما همچون میرزای شیرازی، آیت‌الله بروجردی، حضرت امام خمینی و ... ادامه پیدا کرد.

حتی دوره کوتاه ظهور افشاریه، به دلیل سیاست نادرشاه در ایجاد آزادی دینی و همگرایی میان اقلیت‌های مذهبی (جوادی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۵: ص ۱۴۰)، نه تنها مانعی در کلیت این فرایند ایجاد نکرد بلکه شرایط بازسازی و همفکری بیشتر میان اقلیت‌ها و اکثریت شیعیان را فراهم نمود.

۲-۶-۳. گسترش فرهنگ اصیل اسلامی و زمینه‌سازی برای تحقق تمدن اسلامی با انقلاب اسلامی و ظهور ظرفیت‌های جدید جهت حضور و فعالیت جامعه (امت معهود)

با ظهور انقلاب اسلامی در ایران، که مبتنی بر تعالیم راستین اسلام و برآمده از مکتب اهل‌بیت بود و بنا شدن آن بر پایه خواست مردم، گفتمان تمدنی ایرانی-اسلامی در قالب تحقق تمدن نوین اسلامی مطرح شد و این جریان عظیم سیاسی-اجتماعی در عمل به احیاگر فرهنگ و تمدن اسلامی تبدیل گردید.

این جریان، با توجه به ویژگی‌هایی که در طول مراحل انقلاب از خود جلوه‌گر کرد، نشان داد که می‌تواند نشانه‌ای از فرایند تحقق وعده الهی و تحقق سنت‌های الهی باشد. این روند تغییرات و تحولاتی بنیادین در فعالیت‌ها، کنش‌ها، ساختارهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، ارزش‌ها و باورهای حاکم بر جامعه و رهبران ایران به وجود آورد که آن را در زمره انقلاب‌های بزرگ قرار داد (خواججه سروی و همکاران، ۱۳۹۳: ص ۱۰).

انقلاب و تغییرات فرهنگی حاصل از آن گفتمانی اسلامی با ماهیت و هویت فراملی را به وجود آورد. انقلاب فراملی، برخلاف انقلاب ملی، دارای ارزش‌ها و آرمان‌هایی است که به یک ملت تعلق ندارد و نه تنها از مرزهای جغرافیایی ملی فراتر می‌رود بلکه سایر جوامع نیز از آن استقبال می‌کنند. دلیلش این است که گفتمان جامعه متدین ایرانی، که گفتمان انقلاب نیز هست، بر پایه اسلام واقعی و بیان و تبیین اهل‌بیت^ع بنیان نهاده شده که شامل یک مکتب و جهان‌بینی جهان‌شمول و نامحدود اجتماعی است. این گفتمان بر اصول انسانی و فطری استوار شده که به همه ابعاد بشری توجه کرده است (همان‌جا). از این رو موجب الهام‌بخشی جوامع دیگر شده است و توانسته است چشم‌انداز و افق فرهنگی خود را در سطح منطقه و جهان معرفی کند و گسترش دهد. رعایت همه آنچه که موجب پیشرفت سریع‌تر می‌شود، یعنی معنویت، عقلانیت،

علم‌گرایی، توجه به جایگاه معلم و ارزش علم، بدون حذف یکی از آن‌ها، می‌تواند سرعت پیشروندگی انقلاب اسلامی در احیاء تمدن اسلامی را بیشتر نماید و زمان را برای تحقق وعده‌های الهی و تحقق سنت‌ها نزدیک‌تر کند.

۳-۶-۳. تحقق تمدن نوین اسلامی از منظر رهبران انقلاب تمدن‌ساز اسلامی

الف) توجه به ماهیت تمدن اصیل اسلامی

باید به این مسئله توجه کرد که تمایزی ویژه و بنیادی در توان تمدن‌سازی و نظریه رهبران انقلاب اسلامی، با دیگرانی که در این زمینه صحبت کرده‌اند، وجود دارد. در چشم‌انداز آینده‌نگر، تحقق تمدن اصیل اسلامی (تمدن شیعی-امامی) ممکن و شدنی است، زیرا شرایط لازم از منظر فکری و سرمایه اجتماعی را داراست. اندیشه و مکتب ائمه علیهم‌السلام توان و ظرفیت ایدئولوژیک لازم جهت تمدن‌سازی را، هم از نظر جهان‌بینی (مبانی هستی‌شناسی و انسان‌شناسی) و هم به لحاظ نوع نگاه به رهبری اجتماعی، دارد. مفهوم رهبری به‌خصوص در قالب تداوم امامت حضرت ولی عصر علیه‌السلام که تحقق‌بخش جامعه موعود است و نه گسست مفهومی با گذشته دارد و نه گسست زمانی، از امتیازهای تفکر تمدن‌سازی مد نظر ماست. با یک نگاه خردتر مجموع گزاره‌هایی که ما برای آینده در تفکر اهل‌بیت و شیعه داریم گزاره‌هایی تمدنی هستند؛ همان‌گونه که با مراجعه به ویژگی‌های جامعه در عصر ولی عصر علیه‌السلام می‌بینیم که این گزاره‌ها نیز تمدنی هستند. در آن زمان گنج‌های زمین بیرون می‌آیند، انسان‌ها همه مجتهد می‌شوند و ... (الله اکبری، ۱۳۸۴: ص ۳۰). سرمایه اجتماعی آن تمدن هم طبق سنت‌های الهی و روایات اسلامی، که در منابع شیعه و سنی آمده، جامعه ایرانی است.

حضرت امام، جانشین امام معصوم در عصر غیبت، با توجه به آموزه‌های اصیل اسلامی در تعریض به نگاه‌های دیگر که تمدن را عمدتاً به دستاوردهای مادی محدود می‌دانند، در نگاه عمیقی که برخاسته از نگاهی خاص به انسان و تعامل انسان با محیط پیرامون و تعامل انسان و خداست، انسان وارسته اخلاقی فرهیخته را یک دستاورد تمدنی به حساب می‌آورند: «ما می‌خواهیم ملت ایران غرب‌زده نباشد و بر پایه‌های ملی

و مذهبی خویش به سوی ترقی و تمدن گام بردارد» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۴: ص ۱۶۰). در نگاه امام تمدن مطلوب چنین تمدنی است. تمدنی که انسان‌های فرهیخته تربیت کند، همان‌طور که در مکتب پیامبر تربیت شده بودند. آن‌ها با اخلاق حسنه و معاشرت نیکو توانستند اعتماد ملت‌ها را به خود جلب نمایند. هدفشان درابتدا سودانگاری و منفعت‌طلبی نبود- آن‌گونه که استعمارگران در پی آن بودند- بلکه مسلمانان به دنبال سازندگی اخلاقی و اشاعه توحید و یکتاپرستی بودند.

حضرت امام معتقد بود که: «در اسلام، تمام آثار تجدد و تمدن مجاز است، مگر آن‌هایی که فساد اخلاق بیاورد، فساد عفت بیاورد. اسلام آن چیزهایی را که مخالف با مصالح ملت بوده است، آن‌ها را نفی کرده؛ آن‌هایی که موافق با مصالح ملت است، آن‌ها را اثبات کرده است» (همان، ج ۵: ص ۲۶۳).

ب) گام‌های تحقق

امام خمینی بازگشت به اسلام را تنها راه مسلمانان در این زمینه می‌داند. مهم‌ترین راهکارهای ایشان در بازیابی تمدن اسلامی بر تلاش جهت بیداری و رشد سیاسی، ایستادگی در برابر سلطه‌جویی استعمار، تلاش برای ایجاد دولت اسلامی (به‌عنوان مهم‌ترین رکن ساختاری تمدن)؛ تلاش جهت خودکفایی ملی، ساده‌زیستی و پرهیز از تجملات، سرمایه‌گذاری جهت تربیت صحیح نسل جوان و نوجوان استوار است (ضمیری، ۱۳۸۸: ص ۸۳).

آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر انقلاب اسلامی باتکیه بر همین راهکارها، سرمایه‌گذاری بر روی نسل جوان را مایه پیروزی و ساخت تمدن اسلامی می‌دانند. نامه به جوانان غربی، تداوم دیدار با دانشجویان و نخبگان جوان، انتصاب چهره‌های جوان، تأکید مداوم بر جوان‌گرایی و استفاده از کلیدواژه‌هایی چون «جوان مؤمن» و اصرار بر بهره‌گیری از پتانسیل جوانان، در مدیریت و رویکرد کشور، نمونه‌هایی از تلاش مداوم ایشان برای ارتباط‌گیری مؤثر و بیشتر با نسل جوان و جدید ایران است. تکیه بر «مدیریت جهادی» و تداوم «مقاومت» از سوی ایشان ضرورت خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی را هرچه بیشتر آشکار نموده است.

ایشان جهت نیل به این اهداف، در سرفصل‌های هفت‌گانه‌ای که به‌عنوان «گام دوم»

توصیه شده، خواستار پیگیری این نقشه راه توأم با «امید و نگاه خوشبینانه به آینده» شده‌اند. محورهایی چون علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، سبک زندگی، حراست از استقلال، آزادی و عزت ملی مهم‌ترین بخش‌های این نقشه راه‌اند. ضمن رعایت «مرزبندی با دشمن»، جهاد علمی و اخلاقی و ایجاد اقتصادی اسلامی (اقتصاد مقاومتی) نتیجه این رویکرد معرفی شده‌اند (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

نتیجه‌گیری

تاریخ و پیشینه هزاران‌ساله تمدنی ایرانیان و نقش فعال و گسترده آنان در ساخت و گسترش تمدن اسلامی این سؤال را مطرح می‌کند که در تداوم فرایند حضور و پویایی جامعه ایرانی آنان چه نقش و جایگاهی در ساخت آینده تمدن و خصوصاً تمدن اسلامی خواهند داشت. با ظهور انقلاب مبتنی بر اسلام در ایران و شکل‌گیری حکومت دینی برآمده از تحولات اجتماعی، به گفتمان تمدنی ایرانی و اسلامی در قالب توجه به ظهور تمدنی نوین که برخاسته از آموزه‌های اسلامی- ایرانی باشد توجه شد و انقلاب اسلامی ایران در عمل به پرچمدار و احیاگر فرهنگ و تمدن اصیل اسلامی تبدیل گردید.

جدای از آنکه می‌توان تمدن و آینده تمدنی را از منظر تاریخی پژوهش کرد، می‌توان به این بحث از منظر محتوای دینی و خصوصاً آیات و روایات توجه نمود. به‌ویژه آنکه قرآن مسلمانان را به جستجو و تفکر در سرگذشت پیشینیان فراخوانده است. این از مهم‌ترین مؤلفه‌های انگیزشی جامعه ایمانی برای توجه به قانونمندی تاریخ و تقویت باور به آن از طریق دستیابی به سنت‌های الهی است که به فهم و معنادار ساختن رویدادها و کنش‌های اجتماعی و ایجاد دریچه‌ای نو برای درک بهتر و صحیح‌تر اهداف الهی، در چگونگی تربیت جوامع، از یک سو و از سوی دیگر به شناخت بهتر فراز و فرود و آینده تمدن‌های انسانی منجر می‌شود. آیات نورانی قرآن کریم و روایات مفسر آن‌ها که از معصومین علیهم‌السلام به دست ما رسیده است و سند و بیان آن‌ها هم در منابع شیعی و هم در منابع اهل سنت آمده است، در کنار سنت انتخاب رهبری الهی، ما را به سنت انتخاب امت و سایر سنت‌های الهی، همچون «استخلاف»، «استبدال»، «مداوله» که نمونه‌های تاریخی آن هم در قرآن و هم در کتاب‌های تاریخی و تاریخ ادیان آمده

است، توجه می‌دهد. مردمانی که بر پیمان‌های الهی همچون پیمان‌های اطاعت و نصرت باقی نمانند قانون الهی و سنت او بر این است که، جهت نصرت دین خود، مردمانی دیگر را جایگزین آن‌ها نماید. اهل حجاز، با نادیده گرفتن دستورات الهی و توصیه پیامبر ﷺ در عمل به محتوای دین، حفظ شأن و جایگاه اهل بیت و غصب خلافت از سوی ناهلان، زمینه تغییر امت معهود را فراهم کردند تا طبق سنت الهی مردمانی دیگر برای نصرت دین جایگزین آن‌ها شوند. طبق همین سنت‌ها و آنچه از روایات در تفسیر آن‌ها وارد شده، ایرانیان امتی هستند که در آینده به یاری دین الهی و تحقق آرمان‌های آن خواهند پرداخت.

روند رویدادهای تاریخی نیز مؤید این تحولات است، زیرا این ایرانیان بودند که در تاریخ پس از اسلام، هم از جهت جغرافیای سرزمینی و هم از حیث حضور و کوچ شیعیان، همواره پذیرای جریان اصیل سیره و سنت پیامبر ﷺ بودند که در اندیشه امامان ﷺ تبلور پیدا می‌کرده است. باتوجه به اینکه تحقق فرهنگ و اندیشه مطلوب در یک جامعه امری زمان‌بر است، جامعه ایرانی، که تا پیش از صفویه سنیان متشیع بودند، پس از حرکت سربداران و حاکمیت صفویان به جریان شیعه امامی رسمیت دادند. این روند تاریخی در فرایند ظهور، تثبیت به ایجاد پایگاه اجتماعی برای عالمان شیعه منتهی گردید و زمینه انقلاب اسلامی ایران را فراهم کرد و پس از انقلاب، گفتمان جدی و فعال برای تحقق تمدن واقعی اسلامی که بر پایه و اساس فرهنگ اصیل اسلامی و تلاش امت منتخب (ایرانیان) باشد، وارد عرصه جدیدی شد که با گذشت هرچه بیشتر زمان، افق‌های بیشتری از تأثیرگذاری آن در آینده تمدن بشری نمایان خواهد شد.

کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. آزند، یعقوب. ۱۳۶۵. قیام سربداران. تهران: امیرکبیر.
۳. آشوری، داریوش. ۱۳۸۰. تعریف‌ها و مفهومی فرهنگ. تهران: آگاه.
۴. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله. ۱۴۱۲ق. الاستیعاب فی معرفة الأصحاب. تحقیق: علی محمد البجاوی. بیروت: دار الجیل. چاپ اول.
۵. ابن قتیبه الدینوری، عبدالله بن مسلم. ۱۴۱۰ق. الامامة و السياسة. تحقیق: علی شیری. بیروت: دار الأضواء. چاپ اول.
۶. ابن منظور، محمد مکرم، لسان العرب، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ق.
۷. الله اکبری، محمد. ۱۳۸۴. «تشیع و تمدن اسلامی» در نشست علمی تشیع و تمدن اسلامی. مجله معارف. شماره ۳۰.
۸. امام خمینی، سیدروح‌الله. ۱۳۷۸. صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۹. بخاری، محمد بن اسماعیل. ۱۴۱۰ق. صحیح بخاری. قاهره: جمهوری مصر العربیه، وزارة الاوقاف، لجنة إحياء كتب السنة.
۱۰. پرهیزکاری، سیدروح‌الله. ۱۳۹۲. «نقش دولت شیعی سربداران خراسان در گسترش تشیع و تمدن اسلامی». فصلنامه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی. دوره ۲. شماره ۱۲.
۱۱. پطروشفسکی، ای. پ. ۱۳۵۱. نهضت سربداران خراسان. ترجمه کریم کشاورز. تهران: پیام.
۱۲. تاملین، فردریک. ۱۳۸۵. گزیده آثار توین بی. ترجمه محمدحسین آریا. تهران: انتشارات امیرکبیر. چاپ اول.
۱۳. ثقفی تهرانی، محمد. ۱۳۸۶. روان جاوید در تفسیر قرآن مجید. ۵ جلد. تهران: برهان.
۱۴. جرجانی، محمد ابن علی. ۱۴۰۳ق. التعریفات. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۵. جعفری، یعقوب. ۱۳۷۷. تفسیر کوثر. قم: هجرت.
۱۶. جعفریان، رسول. ۱۳۸۶. تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا طلوع دولت صفوی. تهران: علم.
۱۷. _____ ۱۳۸۷. اطلس شیعه. تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۱۸. هاشمی شاهرودی، سید محمود. ۱۳۸۲. فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت. قم: مؤسسه دایرةالمعارف فقه اسلامی.
۱۹. جوادی نیا، حسن؛ شیخ نوری، محمدامین؛ رضوی، سیدابوالفضل. ۱۳۹۵. «همگرایی

- نادرشاه افشار با اقلیتهای مذهبی». پژوهشنامه تاریخ اسلام. سال ششم. شماره بیست و چهارم. زمستان.
۲۰. خامنه‌ای، سیدعلی. ۱۳۹۷/۱۱/۲۲. بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران. <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>
۲۱. خواجه سروی، غلامرضا؛ فتحی، محمدجواد؛ اسفندیار، محمد. ۱۳۹۳. «مؤلفه‌های اصلی تمدن سازی انقلاب اسلامی (با تأکید بر نقش عقلانیت، معنویت و علم گرایی)». فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهش‌های انقلاب اسلامی. شماره ۱۱. زمستان.
۲۲. دهخدا، علی‌اکبر. ۱۳۷۷. لغت‌نامه. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
۲۳. ابوالفتوح رازی، حسین‌بن علی. ۱۳۷۱. روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۲۴. رجبی، محمود. ۱۳۸۹. «سنت‌های اجتماعی در قرآن، ویژگی‌ها و مبادی و روش کشف سنت‌ها». مجله معرفت فرهنگی اجتماعی. سال دوم. زمستان.
۲۵. رضاییان، فرزین. ۱۳۸۶. هفت رخ فرخ ایران. تهران: طلوع ابتکارات تصویری.
۲۶. رضوانی، علی اصغر. ۱۳۸۶. قرآن و ظهور حضرت مهدی عج. قم: مسجد مقدس جمکران.
۲۷. رضوی فرد، بهزاد و فصیح‌رامندی، منصوره. ۱۳۹۰. «مبانی نظری گرایش علمی حقوق فرهنگ و ارتباطات». فصلنامه پژوهش حقوق عمومی. شماره ۳۵. زمستان. صص ۲۳۶-۲۰۵.
۲۸. زارعی، بهادر. ۱۳۹۰. «تحلیل تئوری امت در قلمرو جغرافیای سیاسی اسلام». فصلنامه سیاست. شماره ۳. صص ۱۶۹-۱۵۳.
۲۹. خانی مقدم، مهیار و زاهدی، عبدالرضا. ۱۳۹۴. «تبیین نظریه مهاجرت امام رضا ع و امامزادگان ع در راستای سنت الهی استبدال». مجله فرهنگ رضوی. شماره ۱۰. تابستان.
۳۰. زمخشری، محمود. ۱۴۰۷ق. الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقوال فی وجوه التأویل. بیروت: دار الکتب العربی.
۳۱. سامانی، محمود. ۱۳۹۳. مناسبات اهل بیت با ایرانیان. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۳۲. سخاوی، شمس‌الدین. ۱۴۱۴ق. التحفة اللطیفة فی تاریخ المدینة. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۳۳. افشار سیستانی، ایرج. ۱۳۷۳. سیمای ایران، اوضاع جغرافیایی، تاریخی، اجتماعی، اقتصادی. تهران: آفابیک.
۳۴. صدر، حسن. ۱۳۷۶. تأسیس الشيعة لعلوم الاسلام. تهران: اعلمی.

۳۵. صدر، محمدباقر. ۱۳۶۹. *سنت‌های اجتماعی و فلسفه اجتماعی در مکتب قرآن*. ترجمه حسین منوچهری. تهران: مرکز نشر فرهنگی رجا.
۳۶. طباطبایی، محمدحسین. ۱۳۸۲. *ترجمه تفسیر المیزان*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۷. طبرسی، فضل بن حسن. ۱۳۷۵. *تفسیر جوامع الجامع تاریخ*. ۶ جلد. ترجمه احمد امیری شادمهری. مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۳۸. طبری، محمدبن جریر. ۱۴۱۲ ق. *جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)*. ۳۰ جلد. بیروت: دارالمعرفة.
۳۹. عرفان، امیرمحسن و بیات، علی. ۱۳۹۳. «آموزه امت اسلامی در قرآن و بازاندیشی در قابلیت‌های فرهنگی و تمدنی آن». فصلنامه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی. شماره ۱۵. صص ۳۰-۷.
۴۰. عیسی‌زاده، کوثر. ۱۳۹۶. «تحلیل شناخت تأثیر فرهنگ بر کالبد و طراحی شهرها با تأکید بر نظریه‌های فرهنگی طراحی مجتمع‌های زیستی». *دوفصلنامه مدیریت شهری*. شماره ۴۶. بهار. صص ۹۶-۷۱.
۴۱. فردوسی، ابوالقاسم. ۱۳۵۳. *شاهنامه*. تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی با همکاری انتشارات فرانکلین. چاپ دوم.
۴۲. فرمانیان، مهدی. ۱۳۸۶. *فرق تسنن*. قم: نشر ادیان. چاپ اول.
۴۳. الفیروزآبادی، محمد. ۱۴۲۳ ق. *المغانم المطابه فی معالم طابة الرياض: دارالیمامة للبحث و الترجمة و النشر*.
۴۴. فیضی، فرزاد؛ ستارنژاد، سعید؛ حاجی‌زاده، کریم. ۱۳۹۵. «تأثیر باورها و آموزه‌های شیعی بر تزئینات سکه‌های دوره صفوی». *جندی‌شاپور*، سال دوم. شماره ۸. زمستان.
۴۵. قرائتی، محسن. ۱۳۷۴. *تفسیر نور*. تهران: مؤسسه در راه حق.
۴۶. قرشی بنائی، سیدعلی‌اکبر. ۱۳۷۱. *قاموس قرآن*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۷. قمی مشهدی، میرزا محمد. ۱۳۶۸. *کنز الدقائق و بحر الغرائب*. محقق: حسین درگاهی. ۱۴ جلد. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۴۸. مجلسی، محمدباقر. ۱۴۰۳ ق. *بحار الانوار*. بیروت: مؤسسه الوفاء.
۴۹. امین، محسن. ۱۴۰۳ ق. *أعیان الشیعة*. تحقیق: حسن امین. بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
۵۰. مستوفی، حمدالله. ۱۳۶۴. *تاریخ گزیده*. تهران: امیرکبیر.

۵۱. حاجی خلیفه، مصطفی. ۱۳۷۶. **تقویم التواریخ**. مترجم ناشناخته. تهران: احیاء الکتاب.
۵۲. مکارم شیرازی، ناصر. ۱۴۱۴ ق. **تفسیر نمونه**. تهران: دارالکتاب الاسلامیه.
۵۳. میرخواند، محمدبن خاوندشاه. ۱۳۸۰. **تاریخ روضه‌الصفاء**. تهران: انتشارات اساطیر.
۵۴. معینی، محمدرحیم، سلیمانی، کاظم. ۱۳۷۴. **گزارش نهایی طرح بررسی مقاومت نسبی سه رقم لوبیاجیتی سازگار بامنطقه در مقابل بیماریهای مهم قارچی در استان زنجان**. تهران: انتشارات سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی.
۵۵. النجفی الجواهری، الشیخ محمد حسن. بی تا. **جواهر الکلام**. محقق: عباس قوچانی. بیروت: نشر دار احیاء التراث العربی.
۵۶. نوروزی فیروز، رول. ۱۳۹۴. «**تمدن به مثابه سطح تحلیل**». فصلنامه نقد و نظر. سال بیستم. شماره ۴. صص ۱۳۱-۱۰۱.
۵۷. حجاج نیشابوری، مسلم. ۱۴۰۷ ق. **صحیح مسلم**. محقق: هاشم احمد عمر. بیروت: مؤسسه عزالدین.
۵۸. هاشمی خویی، میرزا حبیب‌الله. ۱۴۰۰ ق. **منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه**. ترجمه حسن حسن‌زاده آملی و محمدباقر کمره‌ای. مصحح: ابراهیم میانجی. ۲۱ جلد. تهران: مکتبه الإسلامیه.
۵۹. یزدانی احمدآبادی، علی. ۱۳۹۶. «**بررسی مواجهه فرهنگی امامان شیعه با فرهنگی ایرانی**». پایان‌نامه دکتری. به راهنمایی دکتر علی بیات. دانشگاه معارف اسلامی.
۶۰. یوکیچی، فوکوتساوا. ۱۳۷۹. **نظریه تمدن**. ترجمه چنگیز پهلوان. تهران: گیو.
۶۱. **کنکاشی در مفهوم نخبگان و توده‌ها از منظر امام خمینی**. ۱۳۹۱/۰۲/۰۲.

<http://www.imam-khomeini.ir>